

تحلیل شخصیت مالک‌اشتر و عمروبن عاص در نهج‌البلاغه
(با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یرگیرو)

فهیمة قربانی* / علی دودمان کوشکی** / علی سلیمی*** / محمدنی احمدی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

چکیده

به دلیل اجتماعی بودن انسان، شکل‌گیری مبانی شخصیتی او در اجتماع محقق می‌شود، که کنشگر، آنها را در قالب رفتاری و گفتاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، دینی، فرهنگی، اخلاقی، تاریخی و اقتصادی بروز می‌دهد و چارچوب ارتباط فرد با دیگران شکل می‌گیرد؛ بنابراین شناخت ابعاد شخصیتی، نقش عمده‌ای در ایجاد الگوی رفتاری و گفتاری دارد. نشانه‌شناسی اجتماعی با نگاه دوسویه به انسان و ارتباطات اجتماعی او، دانشی درخور توجه برای کدگشایی ابعاد پنهان و پیچیده شخصیتی است. نهج‌البلاغه از غنی‌ترین منابعی است که به جنبه‌های مختلف ابعاد شخصیتی نظر دارد؛ بنابراین، جستار حاضر قصد دارد با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی شاخصه‌های شخصیتی مثبت و منفی شخصیت «مالک‌اشتر و عمروبن عاص» در نهج‌البلاغه با نگاهی نشانه‌شناسانه از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یرگیرو بپردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که، امام علی (ع) برای تبیین ابعاد شخصیتی به نشانه‌هویت و آداب معاشرت نگاهی موشکافانه داشته و از رمزگان‌های اجتماعی در راستای این هدف استفاده کرده‌اند. کمال‌گرایی هدف مشترک در دو بُعد شخصیتی است با این تفاوت که اقدامات مالک‌اشتر در رسیدن به این هدف بر اساس هویت دینی و گرایش‌های خداپرستی اوست، اما عمروعاص، کمال را در بدست آوردن ارزش‌های دنیوی می‌بیند.

کلید واژه

نهج‌البلاغه، نشانه‌شناسی اجتماعی، مالک‌اشتر، عمروبن عاص، پی‌یرگیرو.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی

fahimeh.ghorbani@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی. (نویسنده مسئول)

bolook5@yahoo.com

a.salimi@razi.ac.ir

*** استاد گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.

**** دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی. mn.ahmadi217@yahoo.com

۱. مقدمه

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در بررسی متون و فهم محتوای آنها از اهمیت والایی برخوردارند و جایگاه ویژه‌ای در علوم نقدی امروزه دارند. نشانه‌شناسی شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی و میان‌رشته‌ای است که مورد توجه پژوهشگران در متون مختلف اعم از دینی، ادبی و هنری قرار گرفته است که به مطالعه نظام‌های نشانه‌ای نظیر؛ زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می‌پردازد. یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی که به بررسی ارتباط بین انسان‌ها می‌پردازد، نشانه‌شناسی اجتماعی است، که در این شاخه از نشانه‌شناسی دال و مدلول زیربنای اساسی در شکل‌گیری نشانه در متن هستند. برپایه ارتباط اجتماعی — فرهنگی و ایدئولوژیک شکل می‌گیرند؛ یعنی ایده‌ها، باورهای قاعده‌مند، باورها و نیایدی‌هایی که بر اساس قراردادهای اجتماعی در بستر جامعه به وجود آمده‌اند؛ بنابراین نشانگان، پدیده‌های اجتماعی هستند که باعث ظهور معنا در متن می‌شوند و این حوزه از نشانه‌شناسی، به پدیده‌های اجتماعی و شبکه معنایی و ساختارهای فرهنگی می‌پردازد. پی‌یرگرو نظریه‌پرداز نشانه‌شناسی اجتماعی معتقد است «نشانه‌های اجتماعی، رمزگانی هستند که به شخص توانایی شناخت محیط اطراف و اطرافیان را می‌دهد، از این طریق شخص می‌داند با چه کسی رابطه دارد و افراد و گروه‌ها را باز می‌شناسد» (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۷). گیرو از دیدگاه خود به بررسی منطقی و کارکرد نشانه‌ها می‌پردازد و رمزگان‌ها را از رویکرد زیبایی‌شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. نهج البلاغه سخنی است که رنگ محیط اجتماعی را گرفته و بیانگر جنبه‌های مختلف واقعیت‌های جامعه است و جلوه‌هایی از شخصیت‌های متفاوت در آن دیده می‌شود، مالک اشتر و عمروبن عاص دو شخصیت با خصلت‌های مثبت و منفی هستند که در این نوشتار، نگرش‌ها و ساختار شخصیتی آنان بر پایه نشانه‌شناسی پی‌یرگیرو مورد واکاوی قرار گرفته‌است.

۱.۱. بیان مسأله

نهج البلاغه به جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی انسان و چگونگی شکل‌گیری شخصیت و هویت او می‌پردازد و همچنین منبعی والا بعد از قرآن کریم برای شناخت ارزش‌ها و ارائه‌دهنده الگوواره‌ای کارآمد در بستر زندگی اجتماعی و ارتباط‌ها است؛ بنابراین، به کاربرد آموزه‌های امام علی علیه السلام در کلام گرانقدرش نهج البلاغه، تأثیر وافر از نظر تربیتی و رشد شخصیتی انسان‌ها دارد، که به آشنایی با هنجارها و باید و نبایدها در ارتباط‌های اجتماعی منجر می‌شود؛ از

این‌رو، پژوهش حاضر با توجه به رویکرد اجتماعی پی‌برگرو، به بررسی شخصیت مثبت و منفی در نهج‌البلاغه پرداخته است و از این رهگذر به سوالات زیر پاسخ می‌دهد:

چه نوع رمزگان‌های اجتماعی در بروز شخصیت مالک‌اشتر و عمروعاص نمود پیدا کرده‌اند؟
شاخص‌ترین دستاوردهای شخصیت‌شناسی در نهج‌البلاغه بر اساس نشانه‌های هویت و آداب معاشرت کدامند؟

۲.۱. پیشینه پژوهش

نهج‌البلاغه یکی از متون ادبی است که محققان و پژوهشگران بسیاری برای کشف لایه‌های معنایی آن دست به نگارش زده‌اند و دانش نشانه‌شناسی یکی از مباحث زبان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای است که مورد توجه نویسندگان بسیاری قرار گرفته است و متن‌های مختلف ادبی و هنری را با این دانش تحلیل و بررسی کرده‌اند. در زیر به نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی که در زمینه نهج‌البلاغه و نشانه‌شناسی نگارش شده است، اشاره می‌شود:

«شخصیت‌شناسی معاویه در کلام امیرالمؤمنین (ع)» (۱۳۸۸). حسن بشیر و محمد جانی‌پور. این مقاله با روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، علل و ریشه‌های جنگ صفین دسته‌بندی شده، که عدم اعتقاد و نداشتن ایمان واقعی معاویه علت اصلی این جنگ بیان شده است. کثرت کلمات امام علی (ع) نسبت به کلمات معاویه از نکات قابل توجه در تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین (ع) و معاویه است. و همچنین نصیحت امام (ع) به معاویه در سه جهت اعتقادی، اخلاقی و حکومتی است که ضعف شخصیتی معاویه را در این سه جهت نشان داده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نشانه‌شناسی حق و باطل در نهج‌البلاغه از دیدگاه گریماس» (۱۳۹۱). هیبت‌الله کمالی به راهنمایی دکتر علی‌باقر طاهری‌نیا. نویسندگان بر اساس روش نشانه‌شناسانه گریماس، معیارهای حق و باطل را در سه سطح گفتمان، روایت و منطقی، بررسی کردند و از این طریق به معنای حق و باطل در نهج‌البلاغه دست یافتند. رساله دکتری «بررسی نشانه‌شناختی نهج‌البلاغه» (۱۳۹۵) انسیه طالبی به راهنمایی دکتر عباس طالب‌زاده شوشتری. نویسنده از کنش‌های گفتاری شامل پاره‌گفتار، کنش مستقیم و کنش غیر مستقیم در سه جریان جنگ صفین، نهروان و جمل در خطبه‌های نهج‌البلاغه بهره گرفته و آنها را با هم مقایسه کرده است، دستاوردهای پژوهش حاکی از آن است که؛ کنش عاطفی و اظهاری در جنگ جمل بیشتر کاربرد دارد و به منظور ارشاد مردم در فتنه جمل و سرزنش

سران این جنگ است و در جریان جنگ صفین کنش عاطفی بسیار پر رنگ است به دلیل سستی و کاهلی نیروهای امام در جهت دفاع از وطن، و در جنگ نهروان کنش اظهاری نمود بیشتری دارد. «بررسی فرآیند نشانه‌شناسی اجتماعی در نهج البلاغه با تکیه بر هویت و آداب معاشرت» (۱۳۹۸). علی نظری، پروین خلیلی و مسعود باوان‌پوری. فصلنامه پژوهش‌های علوی. نویسندگان به مؤلفه‌های آداب معاشرت از جمله؛ حالات و اطوار زمین در وضعیت جنگ، حالات مردگان، توصیف شرایط آنان و توهین در برابر بی‌غیرتی کافران پرداخته‌اند و مؤلفه‌های خوراک، شغل، القاب و لباس که از نشانه‌های هویتی است در نامه‌های، ۱۰، ۴۵، ۵۳ و خطبه‌های ۱۹ و ۵۷ بررسی و تحلیل شده است. با توجه به پژوهش‌هایی که در چارچوب نشانه‌شناسی در نهج البلاغه، به رشته تحریر درآمده‌اند، تاکنون در زمینه شخصیت‌شناسی در نهج البلاغه در مورد شخصیت مالک اشتر و عمروبن عاص از دیدگاه نشانه‌شناسی، پژوهشی صورت نگرفته است؛ از این رو، جستار حاضر در میان مطالعات میان‌رشته‌ای، جدید است.

۱.۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

انسان، موجودی اجتماعی است و در بستر جامعه ارتباطها شکل می‌گیرد؛ بنابراین هر انسانی برای تنظیم رفتار و گفتارش و کشف ظرفیت‌های علمی و عملی‌اش در جامعه، نیازمند الگو است. امام علی علیه السلام به دلیل برخورد و تعامل با شخصیت‌های مختلف، راهکارهای مناسب و آموزه‌های تربیتی ارزشمندی برای تشخیص ابعاد مختلف هویت شخصیت‌ها و کارکردهای آنان در زمینه‌های فردی و اجتماعی در اختیار انسان قرار می‌دهند، با توجه به دغدغه انسان برای شناخت معانی رفتارها و اعمال افراد در موقعیت‌های مختلف بمنظور شکل‌گیری ارتباط، دانش نوین نشانه‌شناسی به پاسخ‌گویی و حل این دغدغه می‌پردازد؛ بنابراین، آشنایی با کارکردهای هویت شخصیت‌ها با اعمال و روحیات متفاوت، امری ضروری است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. مفهوم‌شناسی شخصیت

«شخص» در لغت یعنی، ظاهر انسان که از دور دیده می‌شود. (فراهیدی، ۲۰۰۳، ج ۲، ص. ۳۱۴) هر جسمی که ارتفاع و ظاهری دارد و مراد از آن اثبات ذات است که لفظ شخص برای آن استعاره گرفته شده است. (ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۷، ص. ۴۵) واژه شخصیت از نظر ریشه‌ای برابر

کلمه *personality* که در حقیقت از ریشه لاتین *person* گرفته شده، به معنی ماسک یا نقابی است که در یونان و روم قدیم بازیگران تئاتر بر چهره می‌گذاشتند. این تعبیر تلویحاً اشاره بر این مطلب دارد که شخصیت هر کس ماسکی است که او بر چهره خود می‌زند تا وجه تمایز او از دیگران باشد. (کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۳) شخصیت افراد تحت تأثیر محیط شکل می‌گیرد و به گونه‌ای با آن عجین شده که منتزع کردن شخصیت‌ها از محیط و بافت موقعیتی و فرهنگی جامعه، خدشه‌دار کردن ماهیت آنان است؛ بنابراین، شناخت شخصیت در راستای شناخت محیط و موقعیتی است که شخص در آن قرار دارد و اشخاص بسته به شرایط محیطی و بافت جامعه‌ای که در آن هستند، کنش‌های رفتاری و گفتاری مختلفی از خود بروز می‌دهند.

۲.۲. نشانه و نشانه‌شناسی

جهان اطراف ما مملوء از نشانه‌هاست که آشنایی با آنها توسط علم نشانه‌شناسی محقق می‌شود و سبب انتقال معنا و مفهومی می‌شود؛ زیرا هر کدام از نشانه‌ها عنصری از عناصر نشانه‌ها هستند که درک می‌شوند. واژه نشانه‌شناسی دارای ریشه‌ای یونانی است. این علم در قلمرو نشانه (Sign) و معنا (Meaning) به پژوهش می‌پردازد، (دینه‌سین، ۱۳۸۰، ص. ۱۱) و «نشانه‌هایی را بررسی می‌کند که هدف از آن انتقال پیامی به دیگری است» (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۳۹). انتقال پیام در قالب معنا شکل می‌گیرد اما «نشانه‌ها صرفاً معنا را حمل نمی‌کنند بلکه یک رسانه را تشکیل می‌دهند که معنا در آن ساخته می‌شود، نشانه‌شناسی کمک‌مان می‌کند تا تشخیص دهیم که معنا به طور منفعل دریافت نمی‌شود بلکه صرفاً در فرآیند فعال تفسیر به وجود می‌آید.» (چندلر، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۵) پیرس و سوسور هر دو به عنوان بنیانگذاران آنچه امروزه به نشانه‌شناسی «Semiotics» معروف است، شناخته می‌شوند (چندلر، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). سوسور معتقد به دو وجه دال و مدلول در هر نشانه‌ای است و می‌گوید «نشانه زبانی، رابطه میان دال و مدلول است و از آنجا که دال و مدلول ذهنی‌اند، این رابطه نیز ذهنی است.» (صفوی، ۱۳۹۲، ص. ۳۴) سوسور آشکارا و صراحتاً ماهیت مدلول را با مفهوم خواندن آن مشخص می‌کند: مدلول گاو، حیوانی به نام گاو نیست بلکه تصور ذهنی آن است. (بارت، ۱۳۷۰، ص. ۵۷) برخلاف سوسور، پیرس الگویی سه وجهی را در نشانه‌ها مدنظر قرار داده و می‌گوید «همه نشانه‌ها تا حدی شمایی‌اند (زیرا دلالت آنها به واسطه مشابَهتشان با موضوعشان است)، نمایه‌ای‌اند (زیرا به واقع از موضوعشان متأثرند) و نمادین‌اند (زیرا «به موجب

یک قانون» دلالت می‌کنند).» (الکینز، ۱۳۸۵، ص. ۱۹) نشانه‌شناسی بعد از این دو نظریه‌پرداز نشانه‌شناس، گسترده‌تر شد و شاخه‌ها و انواع متعددی را در بر گرفت.

۳.۲. نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌شناسی علمی میان‌رشته‌ایست که در همه علوم نفوذ کرده است و شاخه‌های متعددی دارد. نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است، که نشانه‌شناسی، نشانه‌ها در بستر جامعه بر اساس قراردادهایی تنظیم شده و شکل یافته‌اند و برای اعضای جامعه آشنا و ملموس هستند، این نشانه‌ها در محیط اجتماعی دیگری ممکن است انتقال‌دهنده پیامی نباشند و بی‌معنا تلقی شوند؛ لذا قرارداد، اصلی مهم در این نوع نشانه‌شناسی محسوب می‌شود و یکی از تمایزدهنده‌های جوامع از یکدیگر است. کارکرد اجتماعی نشانه‌شناسی از همان آغاز پیدایش این دانش مورد توجه بوده است و سوسور به عنوان بنیانگذار این علم معتقد است نشانه‌شناسی «علم بررسی نشانه‌ها در زندگی اجتماعی.» (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۴) است و «دغدغه اصلی آن یافتن معنی در رفتارهای بشر عصر حاضر است.» (لیوون، ۱۳۹۵، ص. ۲۵) بنابراین، به علت شکل‌گیری این دانش از بطن اجتماع، ارکان و روابط اجتماعی پیوندی ناگسستنی با نشانه‌شناسی اجتماعی دارند، «ارتباط اجتماعی، ارتباطی است که رابطه میان انسان‌ها و در نتیجه به رابطه میان فرستنده و گیرنده مجبور می‌شود.» (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۵) صاحب نظران بسیاری در عرصه نشانه‌شناسی به نظریه‌پردازی در این علم از جهات مختلف پرداختند، پی‌ریگرو (۱۹۱۲-۱۹۸۳) زبان‌شناس فرانسوی از نظریه‌پردازی است که به بُعد اجتماعی نشانه‌ها توجه خاصی داشته و در این عرصه صاحب سبک است. او نشانه‌های اجتماعی را دو نشانه هویت و آداب معاشرت می‌داند. (ر.ک، ایگلتون ۱۳۸۸، ص. ۱۳۳) گیرو در رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی به بررسی رمزگان‌های اجتماعی و نشانه هویت و اجتماعی (نشانه هویت و آداب معاشرت) می‌پردازد و این چارچوب نظریه گیرو اساس کار پژوهش مذکور در بررسی دو شخصیت تاریخی (مالک اشتر، عمروبن عاص) است.

۴.۲. هویت

هویت، یعنی کیستی و چیستی، به معنای چه کسی بودن و چگونه بودن شخص است و به طور کلی نشان‌دهنده ماهیت و جایگاه اوست. هر فردی در جامعه هویت و جایگاهی منحصر به خود



دارد و رمزگان‌های نشانه‌ای که شخص در شرایط و موقعیت‌های مختلف آنها را تولید می‌کند، باعث شکل یافتن هویت او می‌شوند. «هویت پدیده‌ایست که از «من» آغاز و به «ما» منتهی می‌شود و از احساس استقلال فردی تا احساس تعلق اجتماعی گسترش می‌یابد، از آنجا که هویت هم در شکل فردی و هم در شکل اجتماعی خود برآیند تعامل اجتماعی است با شناخت و ارزیابی آن می‌توان زمینه رشد و توسعه را هموار ساخت.» (حیاتی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲) گام اول در شناسایی شخصیت افراد، شناخت هویت آنهاست؛ زیرا هویت «یعنی کنشگری وجود دارد که از خود نشانه‌هایی بروز می‌دهد و دوم اینکه کنشگر با بروز قسمتی از گونه‌های نشانه‌ای، درصدد برقراری ارتباط برمی‌آید و با این ارتباط به تفهیم معنایی از خود می‌پردازد.» (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸، ص. ۷۵) در نظریه گیرو نشانه‌های هویت «تعلق فرد به یک گروه اجتماعی یا اقتصادی را نشان می‌دهد و کار آنها این است که سازمان‌بندی جامعه و روابط میان افراد و گروه‌ها را به نمایش بگذارند.» (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۷) هویت دارای ابعاد متعددی است که شامل هویت دینی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و... است که در این ابعاد مؤلفه‌های همچون آرم، پرچم، یونیفرم، نام و القاب، مکان و غیره بررسی می‌شوند. (ر.ک، گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۰) می‌توان گفت، انواع هویت مانند رودی جاری و ساری در بستر جامعه است و شناخت نشانه‌های هویت سبب تقویت قوه تشخیص خصلت‌های انسان گردیده و روند ارتباط را برای او آسان می‌کند.

۵.۲. آداب معاشرت

آداب معاشرت زیرشاخه دیگری از نشانه‌شناسی اجتماعی است «نشانه‌های هویتی نمود تعلق شخص به یک گروه یا انتساب او به یک کارکرد است. اما از سویی دیگر انسان‌ها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. به این منظور، آنها از نشان‌ها و شاخص‌ها به عنوان راهی برای شناساندن خود به دیگران استفاده می‌کنند اما این روابط پایدار با روابط گذرای خاصی همراه است که به تناسب افراد و گروه‌های مختلف تغییر می‌کنند.» (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۰) نشانه‌هایی مانند لحن کلام، توهین، حالات، اطوار، روابط انسان‌ها با یکدیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهند. (ن.ک: ایگلتون، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۲) به طور خلاصه می‌توان گفت «نشانه‌هایی هستند شامل حالت چهره، اشاره، ایماء که از تحلیل آنها می‌توان شخصیت افراد را نشانه‌شناسی کرد.» (ریچموند، و کروسکی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷) بنابراین شناخت نشانه‌های آداب معاشرت، سبب شناخت بهتر ابعاد هویتی افراد جامعه می‌شود.

۲.۶. رمزگان‌های اجتماعی

«رمز» از مفاهیم پایه و بنیادین در نشانه‌شناسی است. «سوسور با رمزگان زبانی سروکار داشت و تأکید می‌کرد که نشانه‌ها به تنهایی معنادار نیستند و فقط وقتی که در ارتباط با یکدیگرند تفسیرپذیر می‌باشند؛ بنابراین معنای نشانه به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند.» (چندلر، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۱) نشانه‌های اجتماعی دارای رمزگان‌های اجتماعی هستند که در جامعه بر اساس بافتار اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آیند. رمزگان‌های اجتماعی عبارتند از: «زبان گفتاری (زیر رمزگان آواشناسی، نحوی، واژگانی، عروضی و فرازبانی) رمزگان بدنی (تماس بدنی، مجاورت فیزیکی، ظاهر، حالات، چهره، نگاه، حرکات سر و ادا و اطوار) رمزگان مربوط به کالا (مد، لباس) رمزگان رفتاری (آداب و رسوم، تشریفات، ایفای نقش)». (چندلر، ۱۳۸۷، ص. ۲۲۳) این رمزگان‌ها، نظامی نشانه‌ای هستند «که بیانگر اندیشه‌هاست و از این رو با خط، الفبای کر و لال‌ها، آیین نمادین و آداب معاشرت، علائم نظامی و ... سنجش‌پذیر است.» (دوسوسور، ۱۳۹۲، ص. ۲۳) در نتیجه نشانه در نظام نشانه‌ای است که معنا می‌یابد «بیرون از نظام نشانه‌ای بی‌معنی است و تلقی کارکردی بیرون از زندگی اجتماعی برای نظام نشانه‌ای به همان اندازه بی‌ربط است.» (سجودی، ۱۳۸۵، ص. ۴۱) بنابراین ما با توجه به نشانه‌شناسی می‌خواهیم ساز و کارها، نظام نشانه‌ای، رمزگان‌ها و ویژگی‌های متنی حوزه اجتماعی را بشناسیم و به خوانش متون در این حوزه بپردازیم.

۳. شخصیت‌های مثبت و منفی در نهج البلاغه

در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، شخصیت‌های مختلف با کارکردهای متفاوتی دیده می‌شود که در مسیر تاریخ و حوادث آن سهم بسزایی داشته‌اند، در این پژوهش دو نمونه شخصیت (مثبت و منفی) استخراج شده و بر اساس نظریه نشانه‌شناسی بی‌یرگیرو، مؤلفه‌های هویت، آداب معاشرت و رمزگان‌های اجتماعی مربوط به آنها مورد بررسی قرار گرفته است تا بدین روش، تفاوت هویتی آنها از نظر امام علی علیه السلام که منجر به صعود و سقوط شخصیتی افراد می‌شود، مشخص گردد.

۳.۱. شخصیت مالک‌اشتر

مالک بن حارث نخعی معروف به مالک‌اشتر از فرماندهان نظامی و از یاران، مشاوران، وفاداران

و اصحاب خاص امام علی علیه السلام و «از برجسته‌ترین اصحاب و بهترین تابعان بود و یکی از دلدادگان به حق.» بود (محمدی اشتهاوردی، ۱۳۵۰، ص. ۹۰) ابن ابی‌الحدید در شرح خود درباره مالک نوشته است: اسب سواری شجاع، رئیسی از بزرگان شیعه، دارای یقین بسیار نسبت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و همواره یاریگر او بود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص. ۹۸)

۱.۱.۳. نشانه هویت

هویت مالک بن اشتر در نهج البلاغه نموده‌های مختلفی دارد. نامه‌های ۱۳، ۳۴ و ۳۸ ابعادی از هویت او را آشکار می‌سازد، مفاد نامه‌ها خطاب به اهالی مصر و امیران لشکر است و زمانی که امام علی علیه السلام، مالک اشتر را به فرمانداری آنها منصوب کرد این نامه‌ها را برای آنان فرستاد. پذیرش این مسئولیت برای مالک یکی از وقایع مهم زندگی او بود تا فتنه‌ای را که به کمک معاویه بر ضد محمد بن ابی‌بکر پیا شده بود، خاموش کند. محمد بن ابی‌بکر قبل از مالک اشتر فرماندار مصر بود و از تجربه کمی برای این کار برخوردار بود و همین امر باعث شد امام علیه السلام، مالک را جایگزین او قرار دهد. «أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، لَا يَتَأَمُّ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ أَشَدَّ عَلَى الْفُجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ، وَ هُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَخُو مَذْحِجٍ» (نامه ۳۸) اما بعد، یکی از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم. که در روزهای ترسناک خواب نمی‌رود و از دشمنان در اوقات بیم و هراس بازنگشته نمی‌ترسد، بر بدکاران (که از حق روی برگردانده پیرو گمراهی‌اند) از سوزاندن آتش سخت‌تر است (چنان دلاوری است که دشمنان را از پای درمی‌آورد) و او مالک، پسر حارث برادر (از خویشان و قبیله) مذحج است.

بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گیرو، نامه‌های فوق چند بُعد هویتی مالک را به تصویر کشیده‌اند که در ذیل به آنها پرداخته شده است.

۱.۱.۱.۳. هویت دینی

دین، مهم‌ترین رکن در رسیدن افراد به سعادت است؛ بنابراین، شناخت معنای واقعی و نفس‌الامر دین و مؤلفه‌های آن ضروری است. دین، فرآیندی است که در رابطه با انسان موضوعیت پیدا می‌کند؛ لذا دسترسی و دریافت اصول و مبانی دینی از راه شناخت پایه‌ای انسان و بستر جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند؛ زیرا اعتقادات در جوامع مختلف با هم تفاوت‌هایی دارند. به اعتقاد



گیدنز، برای تحلیل کارکردهای دینی باید معنا و مفهوم باورها و مناسک بسیار متفاوتی را آشکار کنیم که در فرهنگ‌های گوناگون یافت می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۷۶۸) می‌توان گفت که دین، نظام منسجمی از عقاید و اعمال مرتبط با امور مقدس است؛ عقاید و اعمالی که همه پیروان را در قالب یک اجتماع واحد (جامعه دینی) متحد می‌کند. (دورکیم، ۱۳۸۳، ص. ۶۳) در نامه ۳۸، به جایگاه مالک‌اشتر در جامعه دینی اشاره شده است:

در این نامه، مؤلفه دینی و قرآنی «عِبَادَ اللَّهِ» از نظر نشانه‌شناسی مدلول است؛ زیرا عبد خدا بودن یعنی «ایمان و خالص کردن دین برای خدا» (زمخشری، ۱۹۹۸، ج ۵، ص. ۲۱۴) که امری قلبی و پنهان است و دال‌هایی آن، اعمالی همچون «روزه، حج، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و غیره» است که ظهور و بروز دارند. اینها شعارهای دینی هستند و از نظر نشانه‌شناسی اجتماعی نشان از هویت دینی دارند و تصویری از پابندی شخص به اساس و پایه دین، یعنی توحید را ترسیم می‌کند. دال، تشکیل شده از مضاف و مضاف الیه، بیانگر اختصاص و منحصر کردن بندگی برای خداوند، و رمزگانی دینی است که ریشه قرآنی دارد. از تلفیق این دال و مدلول، معنایی پردازش می‌شود که نشانگر باور و تجربه‌های مذهبی و طرز فکر مالک‌اشتر است که زمینه اعتماد سیاسی مردم نسبت به او را رقم زده است. «فَرِحِمَهُ اللَّهُ، فَلَقَدْ اسْتَكْمَلَ أَيَّامَهُ وَلَا قِي حِمَامَهُ وَ نَحْنُ عَنْهُ رَاضُونَ، أَوْلَاهُ اللَّهُ رِضْوَانَهُ وَ ضَاعَفَ الثَّوَابَ لَهُ» (نامه ۳۴) پس خدایش بیامرزد که روزگارش را (به سعادت و نیکبختی) بسر رساند، و با مرگ روبرو شد، و ما از او خورسندیم، خداوند رحمت خود را به او عطاء فرماید، و پاداشش را دوچندان گرداند.

محمدبن‌ابی‌بکر بخاطر عزل شدن از منصب حکمرانی بر مصر ملول و آزرده‌خاطر گشته بود؛ بنابراین امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به منظور دلجویی از او نامه‌ای برایش می‌نویسد که مفاد نامه ۳۴، به این امر پرداخته است، در اثنای نامه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به صورت غیر مستقیم به واسطه ضمیر ظاهر در الفاظی پی‌درپی در جهت تأکید، به توصیف جنبه‌هایی از بُعد دینی هویت مالک‌اشتر گذری زده‌اند برای روشن ساختن علت جایگزینی او بجای محمدبن‌ابی‌بکر. سه دال و نشانه با اسلوب دعایی بکار رفته‌اند: «رَحِمَهُ اللَّهُ، أَوْلَاهُ اللَّهُ رِضْوَانَهُ، ضَاعَفَ الثَّوَابَ» که مفاهیم قرآنی و نشانه‌هایی هستند و بر هویت دینی او اشاره دارند؛ زیرا ادعیه‌های مذکور در مورد بندگانی بیان می‌شود که مع الحق هستند و در

مسائل دینی به کمالاتی دست یافته‌اند. «نَحْنُ عَنْهُ رَاضُونَ» دال دیگری که به صورت جمله خبری آمده است، و مدلول و مفهوم آن، رعایت حق الناس و رفتار عدالت‌گراانه مردم با یکدیگر در امور مادی و معنوی از جمله حفظ مال، جان و آبرو است که رضایت و خرسندی خلق را به دنبال دارد و بر اعطای رحمت و پاداش الهی مقدم شده که دلیلی بر اهمیت و وجوب آن است.

۱.۱.۲.۳. هویت سیاسی

بستر جامعه و چگونگی برخورد و مدیریت مسائل آن، هویت سیاسی افراد شکل می‌گیرد و این هویت، رهیافت‌ها و تحلیلی سیاسی است که پرداختن به دغدغه‌های امنیتی جامعه اصول کار آن است که منجر به ایجاد عدالت اجتماعی و احقاق حقوق از دست‌رفته افراد جامعه می‌شود. مالک اشتر یکی از رهبران و مبارزان سیاستمدار زمان امام علی علیه السلام و خواهان عدالت و اصلاح جامعه بود که خصوصیات سیاسی او در نهج‌البلاغه نمود بارزی دارد. در نامه ۳۸ امام علیه السلام بعد از بیان هویت دینی مالک و اطمینان خاطر دادن به مردم مصر با این ادله که رهبر انتخاب شده برای آنان، قبل از سیاست، پایبند به اصول اعتقادی و دینی است و بیان این مطلب بود که باعث اقتناع‌سازی مصریان برای پذیرفتن مالک و همراهی با او شد؛ زیرا مالک رهبری سیاسی است و «پیشبرد هدف‌های سیاسی و به نتیجه رسیدن تاکتیک‌های نظامی - دفاعی منوط به همراهی دیگر اقشار جامعه است. همانطور که برخی اندیشمندان مدیریت معتقدند، موفقیت سازمانی بستگی تامی به میزان دوستی و اعتماد کارکنان به رهبر و گرایش آنان به پیروی از وی دارد.» (کونتر، اودانل و بهریخ، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۱۰)

رمزهای کلیدی و دال‌هایی که بر هویت و مدیریت سیاسی مالک‌اشتر در این نامه دلالت دارند، عبارتند از: «بیداری هنگام ناامنی اوضاع، نترسیدن در زمان خطر حضور دشمن، شعله‌ای سوزاننده‌تر از آتش بر بدکاران»، این عبارت‌ها در لایه‌ای عمیق‌تر، نشان از برنامه‌ریزی، آماده‌باش و قدرتمندی او در رفع نگرانی از مردم و هوش بالای سیاسی او در روبروشدن با دشمنان و حملات شدید آنان است. امام علیه السلام با کاربست تکرار «لَا نَفِيَّ» در ضمن عبارات «لَا يَتَأَمُّمُ وَلَا يَنْكُرُ» و همچنین صنعت تفضیل در «أَشَدَّ عَلَيَّ الْفُجَّارِ مِنْ حَرِّ بَيْقِ النَّارِ» برای تأکید و مبالغه بهره برده‌اند که بیش از پیش بر هویت و شخصیت سیاسی مالک‌اشتر اشاره دارد؛ زیرا همانطور که گفته شد هویت

کیستی و چیستی افراد است و در این عبارات کسیتی و چیستی مالک در برخورد با سیاست و نظام سیاسی انسجام یافته است. در ادامه نامه به مسأله حقوق سیاسی حاکم بر مردم اشاره شده است: «فَأَسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا أَمْرَهُ فِيمَا طَابَقَ الْحَقَّ» (نامه ۳۸) پس سخنش را بشنوید، و امر و فرمانش را در آنچه مطابق حق است پیرو باشید. و من کتاب له ﷺ إلى أميرين من أمراء جيشه: «وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَعَلَى مَنْ فِي حَيْرِكُمَا مَالِكَ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ، فَاسْمَعَا لَهُ» (نامه ۱۳) و مالک ابن حارث اشتر را بر شما و پیروان شما امیر و فرمانروا گردانیدم، پس فرمان او را شنیده پیروی نمایید.

در دو نامه فوق «شنیدن و اطاعت کردن» جزء رمزگان‌های اجتماعی هستند که در دسته رمزگان رفتاری ایفای نقش جای می‌گیرند؛ یعنی همان نقش همراهی مردم مصر و دو تن از سرداران لشکر «زیاد بن نضر و شریح بن هانی» جهت شکل‌گیری یک اتحاد نظامی که لازمه پیشبرد اهداف نظامی و سیاسی است. این دو فعل امر از مفاهیمی هستند که استعمال قرآنی دارند و بر اساس نشانه آداب معاشرت پیرو این لحن آمرانه ولی در عین حال محترمانه است و بیانگر استعلائی درجه امر نسبت به مأمور است و تصویرگر امر امام به فرمانبرداری تام و کامل، زمانی که حقانیت بر کنش کنشگر (مالک اشتر) چون چتری سایه افکنده و ملازم کنش اوست. «فَإِنَّهُ سَيْفٌ مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ، لَا كَلِيلُ الظُّبَيْةِ وَلَا نَابِي الضَّرِيَّةِ» (نامه ۳۸) زیرا او شمشیری است از شمشیرهای خدا که تیزی آن کند نمی‌شود و زدن آن بی‌اثر نمی‌گردد (به هر جا زده شود می‌برد) «وَأَجْعَلَاهُ دِرْعًا وَمِجَنًّا، فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يَخَافُ وَهَنْهُ وَلَا سَقَطْتُهُ، وَلَا بُطُؤُهُ عَمَّا الْإِسْرَاعُ إِلَيْهِ أَحْرَمٌ، وَلَا إِسْرَاعُهُ إِلَيَّ مَا الْبُطُءُ عَنْهُ أَمْتَلٌ» (نامه ۱۳) او را زره و سپر خویش قرار دهید؛ زیرا او از کسانی نیست که بیم سستی و لغزیدن در او برود و کندی کند از کاری که شتاب در آن سزاوارتر است، و شتاب نماید بکاری که کندی در آن نیکوتر است.

نشانه‌های سیاسی دیگر در نامه‌های مذکور عبارتند از: «شمشیر، تیزی و ضربه» و «سپر و زره» که در معجم عرب و در فرهنگ جنگاوری و دلاوری شناخته شده هستند. مالک (مشبه) به شمشیر (مشبه‌به) تشبیه شده است، با ذکر وجه شبه‌های (تیزی و ضربه)، و دو ابزار دفاعی «درع و مجن» استعاره هستند برای مالک به اعتبار حفاظت آنان از شر دشمنان و نقشه‌هایشان، همانطور که سپر و نیزه صاحبشان را محافظت می‌کند. (ر.ک، بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص. ۲۸۲) معانی «حامی،



پشتیبان و محافظ» از دو دال «درع و مجن» و مدلول ذهنی «دفاع»، در مالک هویدا شده است. تصویر ورود این دو سردار بدون مالک به میدان جنگ به مثابه ورود آنان بدون نیزه و سپر، در ذهن تداعی می‌شود، صنعت ادبی مبالغه در این تعبیر نمود یافته است، این ابزارها نقش اساسی در ایجاد و به منصفه ظهور در آوردن قدرت دارند و با توجه به بافت موقعیتی نامه، قدرت در اینجا یکی از مقوله‌های سیاست‌محور است.

دال‌های «عدم شتاب و کندی، عدم لغزش و سستی» مدلول زمان‌شناسی، مکان‌شناسی و به طور کلی سنجش همه جوانب امور و تدبیر و دوراندیشی در کارها با توجه به شرایط حاکم است، تعبیر ذکر شده نشان از شجاعت، قدرت سیاسی و امتیازات نظامی مالک در میدان جنگ است که در برابر تهدیدهای سیاسی، مقاوم و خواستار استقلال سیاسی است که از خصلت‌های یک مدیر حاذق می‌باشند. با توجه به اینکه مسأله حکومت و فرمانروایی در تعیین سرنوشت مردم نقش بسزایی دارد و این مسأله بافت موقعیتی این دو نامه است؛ بنابراین، تعبیر فوق در مجال سیاسی استعمال شده‌اند که با توجه به نظریه گيرو دلالت‌گر هویت و شخصیت سیاسی مالک هستند. حضرت در راستای تهییج احساسات و همراهی کامل مردم مصر و دو امیر لشکر از صنعت تکرار حرف نفی «لاء» مدد گرفته‌اند، اسلوب تکرار که همراه با ضرب‌آهنگ کوبندگی و شدت است، تأکیدی بر آراسته بودن مالک به این خصایص است و کلام را به سمت مبالغه کشانده است. «فَإِنْ أَمَرَكُمُ أَنْ تَنْفِرُوا فَاَنْفِرُوا وَإِنْ أَمَرَكُمُ أَنْ تَقِيمُوا فَاقِيمُوا» (نامه ۳۸) پس اگر شما را امر کند که (به سوی دشمن) بروید روانه گردید و اگر فرمان دهد که نروید، بمانید.

دو صیغه امر «انْفِرُوا و اَقِيمُوا» رمزگان‌های رفتاری ایفای نقش در نشانه‌شناسی اجتماعی هستند که در خطاب به مردم مصر استعمال شده است این دو کنش رفتاری در مقوله اطاعت سیاسی بکار رفته‌اند و مدلول آنها به وجود آمدن وحدت است که از ایدئولوژی‌های سیاسی در مسیر هدف مطلوب است و امام علیه السلام در فرازهای انتهایی نامه به این مهم تأکید کرده‌اند؛ زیرا اتحاد و یکپارچگی بین تودها از ملزومات موفقیت در امر فرماندهی و مدیریتی مالک اشتر و اقتدار سیاسی اوست. «فَإِنَّهُ لَا يَقْدِمُ وَلَا يَخْجُمُ وَلَا يُوَخَّرُ وَلَا يَقْدَمُ إِلَّا عَنْ أَمْرِي، وَ قَدْ آتَرْتُكُمْ بِهِ عَلَي نَفْسِي لِنَصِيحَتِهِ لَكُمْ وَ شِدَّةَ شَكِيمَتِهِ عَلَي عَدُوِّكُمْ» (نامه ۳۸) که او (در هر کاری) پیش نمی‌افتد و بر نمی‌گردد، و روی

بر نمی‌گرداند و جلو نمی‌رود مگر به دستور و فرمان من، و به داشتن او شما را بر خود برگزیدم (با اینکه به او نیاز داشتم به سوی شما روانه‌اش نمودم) به جهت خیرخواهی‌اش برای شما و استواری دهن‌بند او بر دشمنان (که دهانه بر دهان دشمن می‌زند تا او را از پای درآورد).

قصد امام از ذکر مطلب فوق این نبود که بگوید هر آنچه که مالک به آن امر می‌کند از امور کلی و جزئی امر امیرالمؤمنین علیه السلام است با تعیین و تفصیل، بلکه اراده و خواست امیر این بود که علم و آگاهی مالک به قواعد کلی سیاست و تدبیر کشورها و فنون جنگ‌ها را نشان دهد. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۵۸) «مشورت» واژه کلیدی این بخش از نامه است و رمزگان اجتماعی از نوع گفتاری است که در زمینه سیاست کاربرد فراوانی برای تصمیم‌گیری منطقی و متناسب با شرایط دارد. و امام توصیف‌گر شأن والا و ارزش سیاسی مالک است؛ زیرا با وجود اینکه به همفکری و تدبیر مالک نیاز داشت او را به سمت فرماندهی مصر فرستاد. «شکیمه و عدو» نشانگان کنایی است و تعبیری برای تبیین صلابت و صعوبت مالک بر دشمنان و نشان از «قوت نفس». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص. ۳۲۴) اوست، همه این گزاره‌های بیانی در بردارنده مفهوم تحریض اهالی مصر برای اطاعت از مالک در امر فرماندهی می‌باشند.

۱.۱.۳.۳. هویت تاریخی

تاریخ؛ هویتی حقیقی است نه اعتباری. این هویت حقیقی مستقل، از جایی آغاز شده؛ از طریقی می‌گذرد و سرانجام هم به مقصدی می‌رسد. تاریخ به عنوان منبع شناخت است و قصد امام علی علیه السلام از ذکر هویت تاریخی این است که مؤمنان جدای از دیگر معارف از جمله معارف دینی، تاریخ را به عنوان منبعی معرفتی قلمداد کنند. (ر.ک، کهن‌ترابی، ۱۳۹۹، ص. ۷-۸) بنابراین آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی افراد، نشانه‌هایی ارتباطی و معرفت‌شناختی هستند و کارکرد آشکار این نشانه‌ها این است که ما را از هویت افراد یا گروه‌ها مطلع می‌کند و در نامه ۳۸ به این مسأله توجه شده است: «وَهُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَخُو مَذْحِجٍ» (نامه ۳۸) و او مالک پسر حارث برادر (از خویشان و قبیله) مذحج است.

امام علی علیه السلام مختصری از پیشینه مالک را بیان می‌کند، مردم مصر با اوصاف و خصوصیات قبیله مذحج، قبیله‌ای از قبایل یمن آشنا بودند؛ بنابراین، بیان هویت تاریخی مالک نیز راهکار دیگری از جانب حضرت برای همراه کردن مردم با او و پذیرفتنش به عنوان رهبر بود.

۱.۱.۴.۳. هویت اخلاقی

هویت اخلاقی به معنی پایبندی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی و رعایت هنجارها و ناهنجاری‌ها است، و دو بُعد فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. در بُعد فردی، فرد خود را ارزشمند، عزیز، شایسته و خواهان سعادت جاوید دانسته، همچنین خود را مسئول افکار و اعمال و پرورش فضایل در خویش می‌شمرد. در بُعد اجتماعی، به رعایت حقوق دیگران اهتمام دارد؛ در ارتباط با دیگران مهربان و دل‌سوز است؛ به ارزش‌های اجتماعی احترام می‌گذارد؛ صداقت را بر خود لازم می‌داند. (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص. ۴۶۶) «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَوَلِيَّتُهُ أَمْرٌ مِصْرَ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَعَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا» (نامه ۳۴) مردی را که بر مصر حاکم ساختم برای ما مردی بود خیراندیش (چنانکه تو هستی) و بر دشمن ما چیره و توانا (که تو آن طور نیستی).

همانطور که قبلاً گفته شد این نامه به محمدبن ابی‌بکر نوشته شده است که در این بخش از نامه با کلمه «الرجل» بشکل معرفه به ال عهدی و اسم موصول و صلة آن به مالک اشاره شده است. بر اساس نشانه‌شناسی «نَاصِح و نَاقِم» دال‌هایی هستند با بار معنایی مقابل هم (نیک‌خواه و درشت‌خو)، مؤلفه‌هایی اخلاقی می‌باشند که به بُعد اجتماعی هویت اخلاقی مالک در برخورد با دوستان و دشمنان اشاره دارند و مدلول آنها موقعیت‌شناسی و بصیرت است.

۱.۲.۳. نشانه آداب رسوم

۱.۱.۲.۳. لحن کلام

لحن؛ در نشانه‌شناسی، کیفیت و احساسات و عواطف بیان شده توسط کلماتی است که در کنار هم قرار گرفته‌اند. تعابیر توصیفی «جَبَلًا فِئْدًا، حَجْرًا صَلْدًا» دارای لحنی قدرتمند و کلماتی با آهنگی قوی و پرصلابت تصویرساز شخصیت مالک هستند. امام علیه السلام هنگام شنیدن خبر شهادت مالک، بجای گریه کردن با این الفاظ زبان به ستایش و تمجید او می‌گشاید تا بدین وسیله خواستار این باشد که امثال مالک را ازدیاد بخشند: «مَالِكٌ، وَ مَا مَالِكٌ! وَ اللَّهُ لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِئْدًا، وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا

لَكَانَ صَلْدًا؛ لَا يَرْتَقِيهِ الْخَافِرُ، وَلَا يُوْفِي عَلَيْهِ الظَّائِرُ» (حکمت ۴۴۳) مالک رفت اما چه بود مالک، سوگند بخدا اگر کوه بود کوهی جدا مانده و بزرگ بود، و اگر سنگ بود سنگی سخت بود (که از بزرگی و سختی) هیچ حیوان سم‌دار رهنورد به آن بالا نمی‌رود، و هیچ پرنده‌ای بر آن نمی‌پرد (او یکتا و یگانه بود و هیچ کس بر او پیروزی نمی‌یافت).

دو واژه «جَبَل و حَجْر»، رمزگان‌های متن هستند که احساسات و عواطف امام درباره شخصیت فرمانروایی شایسته را با کاربست تشبیه و نماد ترسیم کرده است. «کوه» نماد استواری، پایداری و رفعت، و «سنگ» نماد استقامت، برای توصیف قدرت و سرسختی مالک هستند، و همچنین «فند»، اسم علم و نام کوهی است که از بقیه کوه‌ها جداست و استعمال آن برای بیان شخصیت مالک، نشان از جایگاه ممتاز و شایستگی‌های اوست که هیچ‌کسی به آن دست نیافت؛ یعنی علو همت و رفعت و بلندی مقامی که مالک را از بقیه جدا کرد و کسی در این مقام به حد او نرسید. همانطور که در شروع نهج البلاغه آمده است: استعاره لفظ «فند» برای او به سبب قوتش و عدم تأثیرپذیری از دشمن است. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۴۵۶)

دال‌های «پر نزدن پرنده بر فراز کوه و حرکت نکردن اسب‌ها بر پهناي آن» مدلول صریح «بلندی و هموار نبودن آن کوه» است و از این ارتباط بین دال و مدلول، دلالتی ضمنی نیز برداشت می‌شود و آن بلندپروازی مالک در امور مدیریتی و تسلیم نشدن و بی‌اعتنایی او در برابر وعده و وعیدها و صحبت‌های مخالفان امام می‌باشد و همچنین نشان از قرار داشتن مالک بر فراز قله ایمان و پرهیزگاری را مجسم می‌کند. نهج البلاغه رنگ محیطی دارد و امام عَلَيْهِ السَّلَام از باورهای محیطی عرب در بیان هویت اشخاص مدد گرفته است و با توجه به روحیه و فرهنگ بادیه‌نشینی عرب که با کوه، بیابان و سنگ‌ها ارتباط دیرینه داشته‌اند؛ بنابراین، این دو نماد برایشان ملموس و قابل درک است و امام نیز با توجه به این ویژگی عرب از این دو کلمه و واژه «فند» در ترسیم خصلت‌های مالک‌اشتر استفاده کرده‌اند تا در جان مخاطبان تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد و الگوسازی و الگوپذیری از یک نمونه عینی را بهتر رواج دهند. ذکر اسلوب قسم صریح «وَاللَّهِ» در ابتدای کلام، دلیل و شاهدی محکم بر دارا بودن خصوصیات ذکر شده درباره اوست.

جمله «مَالِكٌ، وَ مَا مَالِكٌ!» رمزگان اجتماعی در نشانه‌شناسی است که در دسته زبان گفتاری نحوی قرار می‌گیرد، و باعث خلق معنا می‌شود، چینش واژگان و ارتباط همنشینی و زنجیره افقی بین



کلمات، ارتباطی انسجام‌یافته با ساختار نحوی دارد که ارتباط بین نحو و معنا را شکل می‌دهد و باعث خلق معنا می‌شود. «در واقع نحو، دستیابی به معنا را میسر می‌سازد» (شعیری، ۱۳۸۱، ص. ۱۴۲) مالک، مبتدا و یا فاعل است یعنی مالک بدرود زندگی گفت و «ما استفهامیه» و در معرض تعجب از مالک و از نیرومندی اوست. (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۷۶۹) تکرار نام مالک و لحن تعجیبی کلام، بر عظمت مقام و جایگاه او دلالت ضمنی دارد.

۲.۳. شخصیت عمرو بن عاص

پدر عمرو، عاص بن وائل از دشمنان پیامبر ﷺ بود و در اسلام به «ابتر» ملقب شد. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص. ۲۸۲) نصر بن مزاحم در کتاب «صفین» نامه‌ای از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به عمرو عاص ذکر کرده که سید رضی در نهج البلاغه آن را نیاورده است، امام در این نامه عمرو عاص را اینگونه خطاب کرده‌اند: من عبدالله علی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ الی الأبتیر ابن الأبتیر عمرو بن العاص بن وائل. (همان، ج ۱۶، ص. ۱۶۳) روح سودطلبی اولین مطلبی است که از سیاست فرزند عاص قبل از اسلام آشکار می‌شود، فرصت‌طلبی و بهره‌برداری از مناسب‌های مختلف در روح او ریشه دوانیده بود. (جرداق، ۲۰۱۰، ص. ۶۱۴) عمرو عاص از چهره‌های سیاسی و فرماندهان عرب در تاریخ اسلام و از دشمنان پیامبر ﷺ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بود و ضربه‌هایی به پیکره اسلام وارد کرد.

۲.۳.۱. نشانه هویت

۲.۳.۱.۱. نام‌ها و القاب

یکی از روش‌های شناخت شخصیت، نام‌ها و لقب‌ها هستند که از نشانگان اجتماعی در بازتاب روحیات و خصوصیات افراد می‌باشند، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشخاص بسیاری را در نهج البلاغه با لقب فراخواندند، یکی از این افراد، عمرو بن عاص است که در خطبه ۸۴ و ۱۰۸ نهج البلاغه با لقب، مورد خطاب قرار گرفته است: «عَجَبًا لِابْنِ النَّابِغَةِ» (خطبه ۸۴) شگفتا از پسر نابغه» «وَأَقْرَبُ بِقَوْمٍ مِّنَ الْجَهْلِ بِاللَّهِ قَائِدُهُمْ مُعَاوِيَةُ وَ مُؤَدَّبُهُمْ ابْنُ النَّابِغَةِ» (خطبه ۱۸۰) و چه بسیار نزدیک به جهل و نادانی به احکام خدا هستند گروهی که پیشوایشان معاویه و آموزگارشان پسر نابغه است.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در خطبه ۸۴ قبل از بیان یکسری خصوصیات اخلاقی عمرو بن عاص او را با لقب «ابن نابغه» می‌خواند، که در حقیقت نشانگر پستی جایگاه و شخصیت اوست؛ زیرا مادرش زنی



بدکاره بوده است. خواندن افراد با نام مادرشان «بیان‌کنندهٔ خصلت عرب است که اشخاص را به مادر نسبت می‌دهند در صورتی که مادر مشهور به بزرگواری و یا فرومایگی باشد.» (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۵۷۵)؛ از این رو این نوع خطاب قرار دادن در فرهنگ مردم عرب ملموس و آشناست و امام با بهره از این شیوه در جهت برملا کردن هویت و اصالت عمروبن عاص استفاده کرده‌اند. رهبر و پیشوای جامعه در تعیین جایگاه مردم آن جامعه نقش مهمی دارد، همانطور که در خطبهٔ ۱۰۸ در مورد عمروعاص و معاویه به این مطلب اشاره شده است که آنان باعث انحطاط فکری و جهالت کوفیان شدند.

۲.۱.۲.۳. هویت اخلاقی

عمروبن عاص در بین مردم شام سخنانی دروغ در مورد امام بیان کرده بود و به ایشان صفاتی مانند اهل بازیچه و لعب بودن و مزاح بسیار و شوخ طبعی نسبت داده بود. امام ذیل خطبهٔ ۸۴ حقیقت را برای مردم بیان می‌کند. مجموعه نشانگانی که در این خطبه بیان شده تصویری واضح از هویت اخلاقی عمروبن عاص را ارائه می‌دهد: «أَمَّا وَ شَرُّ الْقَوْلِ الْكُذْبُ، إِنَّهُ لَيَقُولُ فَيَكْذِبُ، وَ يَعِدُ فَيُخْلِفُ، وَ يَسْأَلُ فَيُلْحِفُ، وَ يَسْأَلُ فَيُبَيِّنُ، وَ يَخُونُ الْعَهْدَ، وَ يَقْطَعُ الْأَلَّ» (خطبه ۸۴) آگاه باشید که بدترین گفتار دروغ است. و عمر سخنی که به زبان می‌راند دروغ می‌گوید، و با هرکه وعده کند خلاف آن رفتار می‌نماید و در پرسش خود پرگویی می‌کند و از او که بپرسند در پاسخ، بخل می‌ورزد و در عهد و پیمان نابکاری می‌کند و از خویشان دوری می‌نماید.

متن از ابتدا با نشانگانی در بُعد اجتماعی هویت اخلاقی آغاز گردیده است؛ زیرا این نشانه‌ها در ارتباط بین عمروعاص و دیگران شکل یافته است. «کذب» به عنوان بدترین سخن، بیانگر بارزترین خصلت مذموم عمروبن عاص یعنی دروغ‌گویی و حيله‌گری اوست، این صفت بقیهٔ صفات منفی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ زیرا دروغ‌گویی سرچشمه و منشأ همهٔ فسادها و ردایل منفی است: «الْكُذْبُ فَسَادُ كُلِّ شَيْءٍ.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص. ۲۸۱) پس در مقابل می‌توان گفت صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است و این دو خصلت متضاد، معیار و شاخصی برای سنجش هویت اخلاقی در نشانه‌شناسی اجتماعی می‌باشند.

نشانگان دیگر در خطبه عبارتند از: «وعده دادن و تخلف در آن، اصرار در درخواست، بخل در اجابت درخواست، خیانت در عهد و پیمان و قطع صلح رحم» همه این نشانگان در ادبیات قرآن وجود دارند، همانطور که در قرآن کریم در مورد خصلت نیازمندان آمده است: ﴿لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا﴾ (قرآن کریم ۲: ۲۷۳)؛ به اصرار از مردم چیزی نمی‌خواهند؛ بنابراین، این نشانه‌ها طبق قراردادهای اجتماعی به ملاکی برای تشخیص ذات و شخصیت تبدیل شده‌اند و عدم داشتن ملاک‌های اخلاقی همراه با لحنی سرزنش‌آمیز، شخصیت عمرو بن عاص را به تصویر کشیده است.

۱.۱.۲.۳. هویت سیاسی

«فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْحَرْبِ فَأَيُّ زَاجِرٍ وَ أَمِيرٍ هُوَ مَا لَمْ تَأْخُذِ السُّيُوفُ مَآخِذَهَا» (خطبه ۸۴) و چون در میدان جنگ حاضر گردد برای تهییج فساد و افروختن آتش جنگ چه بسیار امر و نهی و زبان‌بازی می‌کند مادامی که شمشیرها به کار نیفتاده‌اند.

«حرب» نشانه‌خشونت سیاسی، حرکت و پیشروی و عمل مبتنی بر زور در مطیع کردن دشمن است و «سیف» نشانه قدرت و شجاعت است. عمرو عاص قبل از ورود به میدان جنگ و بدست گرفتن شمشیر، جهت شعله‌ور ساختن آتش جنگ، مدام چرب‌زبانی و سخنرانی می‌کند، اما هنگام شدت یافتن جنگ و نشان دادن روحیه جنگاوری، ترسو و زبون است و مرد عمل نیست و همین گفتار بدون عملش، نشان از بی‌ارزش بودن اوست که به واسطه دو نشانه «حرب و سیف» در بافت جمله فوق و هم‌نشینی با دیگر عبارتها، هویت سیاسی ترسو و دون همت عمرو بن عاص را ترسیم کرده است. «أَيُّ» رمزگان اجتماعی از نوع زبان گفتاری نحوی در متن و به منظور «استفهام برای تعجب و مبالغه در امر و نهی‌اش» می‌باشد (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۲۷۲)، و شخصیتی متظاهر و بزدل را نشان می‌دهد است که در ظاهر شجاع ولی در باطن ترسو است خصلت جبناء این است که اهل حرف هستند نه عمل و این خصلت از خصایص منفور و مذموم در جامعه است.

۱.۱.۲.۳.۴. هویت دینی

حضرت عليه السلام به منظور آشکارسازی بهتر هویت دینی عمرو بن عاص ابتدا به تبیین هویت دینی خود می‌پردازند و می‌فرمایند: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَيَمْتَنِعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ، وَإِنَّهُ لَيَمْتَنِعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نَسْيَانُ الْآخِرَةِ. وَإِنَّهُ لَمْ يَبَايِعْ مُعَاوِيَةَ حَتَّى شَرَطَ لَهُ أَنْ يُؤْتِيَهُ آيَةً، وَبِرَضَخَ لَهُ عَلَى تَرْكِ



الدِّينِ رَضِيخَةً» (خطبه ۸۴) به خدا سوگند یاد مرگ مرا از شوخی و بازی بازمی‌دارد، و فراموشی از آخرت عمرو را از گفتار حق مانع می‌گردد. او با معاویه بیعت نمود مگر به شرط آنکه عطیه و بخششی به او بدهد و برای دست از دین برداشتن، مخالفت با امام زمان ع خود نمودن (رشوه کمی) حکومت چند روزه مصر را به او بخشید.

از نظر نشانه‌شناسی، دال‌های «والله، یاد مرگ، حق، آخرت، دین» مدلول تقوا و خداپرستی هستند. این نشانگان کلیدی در خطبه، مفاهیم قرآنی هستند که هویت والای دینی امام ع و در مقابل ضعف اعتقادی و سست‌عنصری عمروبن عاص در زمینه دینی با مفهوم عبارت «وَإِنَّهُ لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نَسِيَانُ الْآخِرَةِ» تصویرپردازی شده است؛ زیرا عدم ذکر و یاد آخرت یعنی قبول نداشتن و بی‌اعتقادی به آخرت و معاد، که خود نشان از بی‌دین بودن است. تصویر دیگری از عمروبن عاص با بیان کلمه «رضیخه»، بیان شده که نشانگانی زبانی است و دلالت صریح بر «اعطاء کردن چیزی به میزان کم و اندک» (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۰۳) دارد و از معامله‌ای سراسر ضرر و رسوایی بین او و معاویه پرده برمی‌دارد و یکی دیگر از خصلت‌های منفور اجتماعی آنان؛ یعنی رشوه‌دهی و رشوه‌گیری را آشکار ساخته است، بنابراین؛ خطبه مذکور علاوه بر هویت دینی انحطاط هویت سیاسی عمروبن عاص را نیز بیان می‌کند.

۲.۲.۳. نشانه آداب معاشرت

۱.۲.۲.۳. لحن کلام

امام علی ع با عبارات توصیفی موجز و مختصر از شخصیت معاویه به عنوان متبوع، شخصیت عمروبن عاص (تابع) را توصیف می‌کند: «فَإِنَّكَ قَدْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِدُنْيَا أَمْرِئِ ظَاهِرٍ غَيْهٍ مَهْتُوكٍ سِئْرُهُ يَشِينُ الْكُرَيْمَ بِمَجْلِسِهِ وَيَسْقَهُ الْحَلِيمَ بِخِلْطَتِهِ فَاتَّبَعَتْ أَثْرَهُ وَطَلَبَتْ فَضْلَهُ اتَّبَعَ الْكَلْبُ لِلضَّرِّ غَامٌ يَلُودُ بِمَخَالِيهِ وَيَنْتَظِرُ مَا يَلْقَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِ فَرِيَسْتِهِ.» (نامه ۳۹) پس تو، دین خود را تابع دنیای کسی (معاویه) قرار دادی که گمراهی آشکار است، پرده او دریده و در مجلس خود شخص بزرگوار را عیب‌دار و سرافکننده می‌نماید و با آمیزش خویش دانا را نادان می‌گرداند (هر که با او نشیند اگر پاکست ناپاک اگر بزرگوار است ننگین گردد و اگر با عقل و داناست بی‌خرد و نادان می‌شود و یا در مجلس خود از بزرگوار خرده گرفته و دانا را نادان می‌پندارد) پس از بی‌چنین کسی

رفتی و بخشش او را خواستی مثل پیروی سگ از شیر که (به طمع خوردن لقمه) به چنگال‌هایش نگریسته انتظار دارد که از پس‌مانده شکارش به سوبیش افکند.

شخصیت تحت تابعیت افراد قرار می‌گیرد، تبعیت و پیروی از پیشوا و رهبر، کاربستی قرآنی دارد. باطن و سرشت تابع تحت‌تأثیر متبوع قرار گرفته و شبیه او می‌شود؛ بنابراین تابعیت یکی از اصول مهم در زندگی اجتماعی شده است که سعادت یا شقاوت را به‌دنبال خواهد داشت. تبعیت عمرو بن عاص از شخصیت منفوری چون معاویه باعث شد دینداری، امانتداری، دنیا و آخرت را به باد دهد. (ر.ک، بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۱۳۹) امام علی علیه السلام با استفاده از تشبیه به عنوان ابزاری کارآمد در تصویرسازی تبعیت مذموم بهره برده است و معنای بردگی با این اسلوب ادبی پردازش و انتقال می‌یابد. در عبارت توصیفی «فَاتَّبَعَتْ أَثَرَهُ وَ طَلَبَتْ فَضْلَهُ اتَّبَاعَ الْكَلْبِ لِلضَّرْعِ يَلُودُ بِمَخَالِبِهِ وَ يَنْتَظِرُ مَا يَلْقَى إِلَيْهِ مِنْ فَضْلِ فَرِيَسْتِهِ.» پیروی عمرو عاص از معاویه (مشبه) و پیروی سگ از شیر (مشبه‌به) و در انتظار بدست آوردن باقی‌مانده چیزی (وجه شبه) است و تشبیه تمثیلی مفصل مؤکد است. بر اساس نشانه‌شناسی اجتماعی، مدلول تعبیر توصیفی فوق عبارت است از: کسی که چشم انتظار است تا فرد دیگری کار مهمی را به انجام برساند و بهره و امتیازات خود را از آن ببرد و در نهایت پس‌مانده‌ای به او برسد مثل سگی است که پس‌مانده شکار شیر را می‌خورد. نظام زبان در خدمت ارائه معنای دریافت شده از اجتماع دال و مدلول است و معانی «نداشتن قدرت، جسارت و اختیار در تصمیم‌گیری برای انجام کاری، عدم اعتماد به نفس، راضی شدن به چیزهای پیش‌پاافتاده و کم‌ارزش» از این اجتماع تصویرسازی می‌شود. این توصیفات براساس نظریه گيرو جزء نشانه آداب رسوم است که با لحنی تحقیرآمیز همراه با هشدار برای ترسیم شخصیت عمرو عاص بکار رفته است و امام بدین وسیله احساس تنفر از عمل او را در وی ایجاد کرده است و این نوع دنباله‌روی و پیروی کردن را مورد نکوهش و سرزنش قرار داده است.

نتایج پژوهش

با بررسی شخصیت مثبت و منفی از نظر امام علی علیه السلام بر اساس دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی پی‌یر گيرو نتایج ذیل حاصل گردید:

مالک شخصیتی است با کارکردهای مثبت و عمروعاص شخصیتی با کارکردهای منفی است. کمال‌گرایی عنصر و هدف مشترک در دو بُعد شخصیتی است با این تفاوت که مالک‌اشتر در همه زمینه‌های هویتی در رسیدن به این هدف اقداماتی انجام داده است که اساس همه آنها هویت دینی و گرایش‌های خداپرستی اوست، اما عمروعاص شخصیتی دنیاپرست است که کمال را در بدست آوردن ارزش‌های دنیوی می‌بیند و اساس اهدافش را بر این چارچوب پایه‌ریزی کرده است.

امام علی علیه السلام در روند مشخص کردن هر دو بُعد شخصیتی از مفاهیم قرآنی در نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه بهره برده‌اند. مفاهیم قرآنی در ابعاد هویتی مثبت «رحمة الله، عبادالله، رضوان، ثواب» «اسْمَعُوا، أَطِيعُوا، الْحَقُّ» و «نَاصِحٌ» نشانه‌ها و رمزگان‌هایی هستند که به ترتیب در تبیین هویت دینی، سیاسی و اخلاقی مالک استعمال شده‌اند. «الْكَذِبُ، يَخْلِفُ، يَنْخَلُ» مؤلفه‌های قرآنی در زمینه هویت اخلاقی عمروعاص هستند که در قرآن مورد نكوهش قرار گرفته‌اند، هویت دینی عمروعاص به صورت ایجاز لفظی با کلیدواژه اصلی «فراموشی آخرت» گستردگی تنزل شخصیت او در همه ابعاد را نشان داده است؛ بنابراین، هویت دینی در دو شخصیت تأثیر بارزی در چگونگی شکل‌گیری هویت‌های دیگر آنان دارد و می‌توان گفت پایه و زیربنایی برای سایر هویت‌ها محسوب می‌شود. تفاوت کاربرد مفاهیم قرآنی و بار معنایی آنها در شخصیت‌ها کاملاً مشهود است.

نشانه آداب معاشرت در قالب لحن توصیفی تمجید، ستایش، محترمانه، تحقیرآمیز و هشدار دهنده در شخصیت‌ها بکار رفته و هویت مثبت و منفی را آشکار ساخته است. صنایع ادبی، واژه‌گزینی، چینش کلمات، موسیقی درونی و اسلوب انشایی از جمله تکرار، تشبیه، استعاره، نماد، مبالغه و فعل امر، در راستای شناخت هویت شخصیت‌های مذکور هستند، اسلوب‌های تکرار و مبالغه در جهت اقناع‌سازی مخاطب تأثیر بسزایی داشته‌اند. کاربرد رمزگان‌های اجتماعی در نشانه‌شناسی از جمله زبان گفتاری نحوی و زبان رفتاری ایفای نقش در معرفی شخصیت مالک و عمرو نمایان است.

امام علی علیه السلام بُعد اجتماعی در هویت اخلاقی هر دو شخصیت مثبت و منفی را بیشتر نمایان کرده است و این بُعد بارزتر از بُعد فردی است و این نشان می‌دهد که چگونگی ارتباط و تعامل با دیگران از اهمیت بالاتری برخوردار است هرچند بنظر می‌آید شخصی که در تقویت بُعد فردی بکوشد، خوانا نخواهد تأثیر مثبت آن در بُعد اجتماعی او نیز نمایان خواهد شد؛ بنابراین دستاورد مهمی که از

نشانه‌شناسی شخصیت دریافت می‌شود مهارت ارتباطی و مدیریت رفتار از دیدگاه امام علی علیه السلام است که در پرتو دانش نشانه‌شناسی راهکارهای شناخت الگویی مناسب فراهم گردیده است و کلام امام بهترین معیار برای سنجش ابعاد هویتی و بدست آوردن هنجارهای رفتاری و گفتاری است. در نهایت باتوجه به دستاوردهای پژوهش در چارچوب نشانه‌شناسی گپرو می‌توان گفت، هویت مالک در زمینه‌های دینی، سیاسی، اخلاقی، تاریخی پایبند به اصول و هنجارهاست و نمونه‌ی یک انسان پرهیزگار، متدین، بلند همت، شجاع و دارای اصالت و شرافت خانوادگی است و در مقابل ویژگی‌هایی همچون دنیاپرستی، درغ‌گویی و حيله‌گری، ترسویی و بزدلی و پیشینه‌ی پست خانوادگی به عمروعاص نسبت داده شده که سقوط همه‌ی ابعاد هویتی او را نشان می‌دهد.

منابع

.قرآن کریم.

.نهج البلاغه. ترجمه: علی نقی فیض الاسلام.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴م، شرح نهج البلاغه. الطبعة الثالثة، قم: منشورات مكتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۲. ابن فارس، ابی الحسین احمد، ۱۳۹۹م، مقایس اللغة. دمشق: دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۹۷م، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۴. ایگلتنون، تری، ۱۳۸۸ش، پیش درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه: عباس مخبر، چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۵. بارت، رولان، ۱۳۷۰ش، عناصر نشانه شناسی. ترجمه: مجید محمدی. تهران: انتشارات المهدی.
۶. بحرانی، ابن میثم، ۱۳۷۵ش، شرح نهج البلاغه. ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۷۳ش، غرر الحکم ودرر الکلم. مقدمه و تعلیق: میرجلال الدین حسینی ارموی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. جرداق، جورج، ۲۰۱۰م، الإمام علی صوت العدالة الانسانية. الطبعة الاولى. بیروت: مطبوعات دار الأندلس.
۹. چندلر، دانیل، ۱۳۸۷ش، مبانی نشانه شناسی. ترجمه: مهدی پارسا زیر نظر فرزانه سجودی، تهران: سوره مهر.
۱۰. حیاتی، زهرا، ۱۳۸۶ش، از هویت ایرانی. تهران: سوره مهر.
۱۱. دورکیم، امیل، ۱۳۸۳ش، صور بنیانی حیات دینی. ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۱۲. دوسوسور، فردینان، ۱۳۹۲ش، دوره زبان شناسی عمومی. ترجمه: کوروش صفوی. تهران: هرمس.
۱۳. دینه سن، آنه ماری، ۱۳۸۰ش، درآمدی بر نشانه شناسی. ترجمه: مظفر قهرمان، آبادان: پرسش.



۱۴. ریچموند، ویرجینیایی و کروسکی، جمیزسی مک، ۱۳۸۸ش، *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی*. ترجمه: فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله‌پور زیر نظر غلامرضا آذری. چاپ دوم. تهران: دانژه.
۱۵. زمخشری، ابی القاسم محمود بن عمر، ۱۹۹۸م، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. الرياض: مكتبة العبيکان.
۱۶. شعیری، حمیدرضا، ۱۳۸۱ش، *مبانی معناشناسی نوین*. تهران: سمت.
۱۷. شعیری، حمیدرضا و وفاپی، ترانه، ۱۳۸۸ش، *راهی به سوی نشانه — معناشناسی سیال، با بررسی موردی ققنوس نیما*. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. صفوی، کوروش، ۱۳۹۲ش، *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: سوره مهر.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۲۰۰۳م، *کتاب العین*. طبع الأول. لبنان: دارالکتب العلمیة.
۲۱. کریمی، یوسف، ۱۳۸۹ش، *روانشناسی شخصیت*. بی‌جا: موسسه نشر و ویرایش.
۲۲. کونتر، هرولد، سیریل اودانل و هاینز و بهریخ، ۱۳۸۵ش، *اصول مدیریت*، ترجمه: محمد علی طوسی، علی اکبر فرهنگی، امین الله علوی و اکبر مهدویان. تهران: مؤسسه آموزش عالی و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۳. ال‌کینز، جیمز ۱۳۸۵ش، *نظریه نشانه‌شناسی پی‌یرس برای تاریخ چه سخنی دارد؟*. ترجمه: فرزانه سجودی. تهران: گلستان هنر ۳.
۲۴. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸ش، *تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۲۵. گیرو، پی‌یر، ۱۳۸۳ش، *نشانه‌شناسی*. ترجمه: مهدی نبوی. تهران: نگاه.
۲۶. لیوون، تئوون، ۱۳۹۵ش، *آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی*. نگین‌های زبان‌شناسی. ترجمه: محسن نوبخت. چاپ اول. تهران: نشر علمی.
۲۷. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۵۰ش، *سیمای مالک اشتر*. چاپ دوم، قم: انتشارات علاوه.



۲۸. سجودی، فرزانه، ۱۳۸۵ش، درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک بررسی نمونه‌ای از گفتمان سینمایی: از مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر به کوشش حمیدرضا شعیری. چاپ اول. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
۲۹. کهن‌ترابی، میثم، ۱۳۹۹ش، آسیب‌شناسی معرفت تاریخی از دیدگاه نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه. ۸ (۳۱). ۱-۱۹.